

تجزیه و تحلیل قدرت نرم ترکیه در دوره غلبه اسلام گرایان

بهمن ربیعی نیا^۱

حسین هرسیج^{*۲}

حسین مسعودنیا^۳

چکیده

به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه فصل جدیدی در سیاست داخلی و خارجی ترکیه رقم زد. ترکیب اسلام سیاسی با دموکراسی و لیبرالیسم، توسعه سریع اقتصادی، رویکرد منطقه محور به جای رویکرد غرب محور در سیاست خارجی، راهبرد عمق استراتژیک و به صفر رساندن مشکلات با همسایگان جذابیت زیادی برای ترکیه در منطقه خاورمیانه ایجاد کرد به طوری که روند رو به افزایش قدرت نرم این کشور در منطقه خاورمیانه «مدل ترکیه» را به عنوان یک مدل موفق حکومت داری در پیش چشم مردم مسلمان خاورمیانه قرار داد. پژوهش حاضر تلاش می کند با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی عوامل فراز و فرود قدرت نرم افزاری ترکیه در دوره اسلام گرایان را بر اساس نظریه جوزف نای بررسی نماید. علی رغم موفقیت نسبی ترکیه در نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک در منطقه خاورمیانه اما تحولات انقلابی در خاورمیانه عربی به ویژه در همسایگان جنوبی ترکیه به مثابه فرصتی تلقی شد که حاکمان ترکیه برای افزایش نفوذ و هژمونی منطقه ای خود از آن استفاده نمایند. تلاش دولت ترکیه از یک طرف منجر به عدول از سیاست های نرم افزاری قبلی شد و از طرف دیگر ناکامی در رسیدن به اهداف سیاست جدید ترکیه موجب ایجاد چالش در قدرت نرم ترکیه گردید. یافته های مقاله حاضر نشان می دهد استفاده از قدرت سخت افزاری، بحران های امنیتی و بی ثباتی سیاسی و همچنین کاهش رشد اقتصادی موجب افول در قدرت نرم ترکیه و تنزل جایگاه داخلی و منطقه ای این کشور شده است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، ترکیه، خاورمیانه، دیپلماسی عمومی

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

* harsij@ase.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۴

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی بیست و نهم، صص ۱۹۰-۱۵۹



فصلنامه

پژوهش های

روابط بین الملل،

دوره هشتم، شماره

سوم، شماره پیاپی

بیست و نهم

پاییز ۱۳۹۷

مقدمه

کشور ترکیه به واسطه جایگاه ژئوپولیتیک منحصر به فرد خود و واقع شدن در بین دو قاره آسیا و اروپا و از طرفی پیشینه تاریخی سترگ، همواره پتانسیل لازم برای تبدیل به یک قدرت هژمونیک منطقه‌ای را داشته است. همچنین این کشور به عنوان دروازه ورود تمدن جدید اروپایی به جهان اسلام برای نخبگان مسلمان حامل جذابیت بوده است. الزامات جنگ سرد و موقعیت ویژه جغرافیایی و نزدیکی به شوروی، ترکیه را به یکی از سرپل‌های حیاتی غرب برای مقابله با شوروی تبدیل کرده بود. این مسأله بعلاوه حضور مؤثر در ناتو سبب ایجاد انگاره‌های هویتی غرب‌گرا در اذهان نخبگان سیاسی ترک در دوران نظام دوقطبی گردید. شکست بلوک شرق، پایان جنگ سرد و کاهش اهمیت ناتو و به تبع آن ترکیه؛ از یک سو و عدم پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا نیاز به بازتعریف هویتی در ترکیه را بیشتر کرد. در این بازتعریف که با ظهور اسلام‌گرایان در سپهر سیاسی ترکیه مصادف شد با اجتناب از نگاه یک سویه به غرب بر هویت منطقه‌ای و تاریخی ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان و میراث‌دار امپراطوری عثمانی تاکید شد. در واقع سیاستمداران جدید ترکیه به درستی دریافته بودند که چند دهه نگاه به غرب و تاکید بیش از حد به اروپا و آمریکا موجب یک سیاست خارجی یک سویه و نامتوازن برای ترکیه شده است. به همین دلیل ترکیه نگاه به کشورهای اسلامی و غرب را به صورت هم‌زمان در پیش گرفت. براساس این تغییر اسلام‌گرایان ترکیه که تحت عنوان حزب عدالت و توسعه (AKP) به قدرت رسیدند با تلفیق هویت اسلامی و تاریخی این کشور با ارزش‌های لیبرال سرمایه‌داری و توسعه سریع اقتصادی در دهه اول قرن بیست و یکم قلوب و اذهان مردم کشورهای خاورمیانه را تحت تأثیر قرار دادند. موفقیت ترکیه در اجرایی کردن راهبردهای جدید در سیاست خارجی ترکیه مبنی بر عمق استراتژیک و به صفر رساندن مشکلات با همسایگان موجب افزایش قدرت نرم ترکیه در این برهه گردید.

تحولات بهار عربی و به دنبال آن قدرت گرفتن دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در شمال عراق و سوریه و تضعیف دولت‌های مرکزی عراق و سوریه از یک طرف،

همچنین مسأله کردها و مشکلات مرزی بین ترکیه و سوریه از طرف دیگر نخبگان سیاسی ترک را به بهره برداری از وضعیت موجود برای نیل به اهداف منطقه‌ای ترغیب کرد. آن‌ها تلاش کردند با به دست گرفتن ابتکار عمل در امور کشور سوریه و بازگسترش حضور و نفوذ از شمال عراق تا جنوب سوریه به نوعی عظمت ازدست رفته امپراتوری عثمانی را بازیابی نمایند.

این پژوهش تلاش می‌کند با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به دو سؤال زیر پاسخ دهد:

۱۶۱

۱- چه مؤلفه‌هایی موجب افزایش قدرت نرم و جذابیت ترکیه در دوران حکومت حزب عدالت و توسعه گردید؟

۲- تحولات و قیام‌های مردمی خاورمیانه و پیامدهای آن از جمله ظهور داعش و بحران سوریه چه تاثیری بر قدرت نرم ترکیه داشته است؟

چارچوب نظری استفاده شده در این مقاله تئوری قدرت نرم جوزف نای می‌باشد. براین اساس فرضیه‌های مقاله حاضر این است که استراتژی استفاده از قدرت نرم در دوره اسلام گرایان موجب افزایش نفوذ و محبوبیت ترکیه در خاورمیانه گردید؛ همچنین سیاست نرم افزاری ترکیه از زمان تحولات خاورمیانه عربی به خصوص بحران سوریه و دخالت‌های سخت افزارانه ترکیه در این کشور رو به افول نهاده است.

۱. پیشینه موضوع تحقیق

اقبال (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲)» قدرت نرم ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ را مورد مطالعه قرار داده و نشان داده که چگونه ترکیه در این یک دهه بر خلاف دوره حاکمیت سکولارها تلاش کرده است تا به جای تاکید بر قدرت مادی به افزایش قدرت نرم خود در دو سطح ملی و فراملی بپردازد و تحلیل خود را بر پایه موفقیت این رویکرد در ترکیه جمع بندی می‌کند. در این مقاله با توجه به بازه زمانی که مورد بررسی قرار داده است از سیاست‌های بعدی ترکیه در قبال منطقه سخنی به میان نیامده است.



عسگرخانی و عبدالسلام (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵» عملکرد ترکیه در قبال سوریه را نشان دهنده این موضوع می‌دانند که سیاست تنش صفر با همسایگان راه به جایی نخواهد برد و ترکیه با اتخاذ موضعی تهاجمی در قبال سوریه، به دنبال منافع خود و توسعه عمق استراتژیک خود در سوریه پسا اسد است. مقاله عراق و سوریه را قربانی بلند پروازی رهبران حزب عدالت و توسعه می‌داند که ریشه این سیاست‌های ترکیه باور رهبران حزب عدالت و توسعه مبتنی بر ضرورت حرکت ترکیه به سمت ایجاد هژمونی منطقه‌ای؛ امکان تأمین انرژی ترکیه از طریق منابع انرژی عراق و رشد اقتصادی سالهای اخیر ترکیه و نیاز این کشور به بازارهای منطقه می‌باشد. نویسندگان نتیجه می‌گیرند محاسبات نادرست رهبران ترکیه موجب گردید ترکیه در بحران سوریه مداخله نماید و سیاست‌های توسعه طلبانه‌اش را آغاز نماید.

طوبا کاووس^۱ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی قدرت نرم ترکیه در سیاست خارجی ترکیه می‌پردازد. وی با تاکید بر فرهنگ و تاریخ ترکیه، به ارزش‌ها و سیاست‌هایی اشاره می‌کند که در فرهنگ ترکیه با ارزش‌های جهانی همپوشانی دارند. وی سازگاری بین دین اسلام و دموکراسی را قدرت نرم ترکیه می‌داند و حضور حزب عدالت و توسعه در قدرت که موجب افزایش تعاملات فرهنگی، اقتصادی ترکیه با کشورهای دیگر شده را در افزایش قدرت نرم این کشور مثبت ارزیابی می‌کند (Çavuş, 2012:23).

حاجی براهیم^۲ (۲۰۱۳) در رساله دکترای خود با عنوان «قدرت نرم و سیاست خارجی ترکیه نسبت به کشورهای خاورمیانه (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱)» به بررسی قدرت نرم در سیاست خارجی ترکیه در قبال کشورهای خاورمیانه توسط حزب عدالت و توسعه می‌پردازد و با برشمردن عناصر قدرت نرم ترکیه در منطقه خاورمیانه؛ دلایل کارآمدی قدرت نرم این کشور در منطقه و چالش‌های آن را تحلیل کرده است. وی محدودیت‌های دیپلماسی عمومی ترکیه، اصول دموکراسی و ظهور قیام‌های عربی و مسئله کردها را از چالش‌های

1. Tuba Çavuş
2. Hadje Bahim

توفیق قدرت نرم کشور ترکیه می‌داند. در این تحقیق نیز با توجه به بازه زمانی آن به مسائل مورد نظر در پژوهش ما اشاره‌ای نشده است (Brahim, 2013: 5-13).

عابد جواد (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی ترکیه در رابطه با سوریه از سال ۲۰۰۲» به تبدلات فرهنگی و استفاده از قدرت نرم برای ایجاد تصویری جذاب از ترکیه در سوریه با کمک برنامه‌های فرهنگی، ترویج زبان ترکی و پخش سریال‌های تاریخی برای ارتباط با روشنفکران عرب اشاره می‌کنند. مقاله تاکید می‌کند سیاست خارجی دولت ترکیه هم زمان با تحولات جدید در سوریه از سال ۲۰۱۱ با فرقه‌گرایی در سوریه و حمایت از جنبش اخوان المسلمین در سوریه نه تنها به قدرت نرم خود ضربه زده است بلکه با اتهام بی دینی به رئیس جمهور سوریه به تنش علوی‌ها با نظام ترکیه دامن زده است (Gawwad, 2018: 63). به طور کلی تحقیقات به عمل آمده در رابطه با استراتژی ترکیه پس از تحولات خاورمیانه حاوی دیدگاه‌های متفاوتی است، عمده پژوهشگران ابزار دسترسی به اهداف این کشور را از منظر قدرت سخت افزاری مورد بررسی قرار داده‌اند و از این نکته غافل شده‌اند که استفاده از قدرت سخت موجب نقصان در رویکرد نرم افزاری قدرت ترکیه شده است.

۲. چارچوب تئوریک: قدرت نرم

قدرت مفهومی چندبعدی، سیال، انتزاعی، دارای شمولیت و صورگوناگون تعیین‌یافتگی است. تعریف قدرت در ادوار مختلف حیات بشر و در واقع از دانشمندان جهان باستان مانند افلاطون و ارسطو تا اندیشمندانی مانند ماکس وبر، ماکیاولی و آنتونی گیدنز قابل ردیابی و بازخوانی می‌باشد. آنچه از این بازخوانی به دست می‌آید، اختلافات در تعریف قدرت را در سه حوزه نقش قدرت، ماهیت قدرت و نحوه اعمال قدرت توسط بازیگران طبقه بندی می‌کند. اما در عرصه نظام بین‌المللی شناخت قدرت برای پاسخگویی به دو سؤال مهم اهمیت دارد: اینکه در یک منازعه انتظار پیروزی از کدام طرف بیشتر است و اصولاً چه کسی بر سیاست‌های جهانی حاکم است. براین اساس و برای سنجش میزان قدرت دولت‌ها، آن را مشابه پول در نظریه اقتصادی دانسته‌اند. گریفیتس در توضیح این

ماهیت بیان می‌کند: همانطور که تلاش برای بیشینه ساختن مطلوبیت اقتصادی بر حسب پول بیان و سنجیده می‌شود، منافع ملی کشورها هم بر حسب قدرت ارائه می‌گردد (گریفتیس ۱۳۹۴: ۷۳۸).

استیون لوکس در کتاب خود «قدرت؛ نگرشی رادیکال» سه نگرش کلی به قدرت سیاسی را در چارچوب کثرت‌گرایی (دیدگاه تک بعدی)، اصلاح طلبانه (دیدگاه دوبعدی) و آنچه وی آن را نگرش رادیکال (بنیادین) یا سه بعدی از قدرت می‌خواند مورد بررسی قرار داده است. در چهره سوم قدرت، لوکس معتقد است بازیگر «الف» وقتی فرود می‌آید است که خواسته‌ها و نارضاقتی‌های بازیگر «ب» را در نقطه‌ای تعریف کند که خودش بخواهد (Lukes, 2005: 95). در نظر استیون لوکس قدرت، نفوذ و مدیریت افکار و تمایلات دیگر بازیگران و پیش‌بینی رفتار بالقوه آن‌ها موثرترین نوع قدرت است (Lukes, 2005: 27). چهره سوم یا رادیکال قدرت دارای چند اصل اساسی می‌باشد. نخست، بین منافع واقعی بازیگر با منافع و ترجیحات ذهنی وی تفاوت وجود دارد به گونه‌ای که ترجیحات رفتاری لزوماً براساس منافع واقعی نیست. دوم، تعیین و تشخیص منافع عینی از منافع ذهنی یا ادراکی مستلزم احاطه اطلاعاتی کامل بازیگر است اما در مناسبات قدرت به واسطه ایجاد خودآگاهی کاذب از سوی صاحبان قدرت قربانیان قادر به تشخیص منافع اصیل خود نمی‌باشند. سوم، شرایط و وضعیتی که بازیگران از اعمال قدرت برخوردارند آگاه نیستند نمونه بارز قدرت رادیکال می‌باشد ولی به محض آگاهی از روابط سلطه و درک منافع واقعی، قربانیان به این رابطه قدرت پایان می‌دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۵).

پس از تغییراتی که در نتیجه گسترش صنعت اطلاعات و به ویژه پایان یافتن دوران جنگ سرد اتفاق افتاد، اندیشمندان علوم سیاسی ایده‌های جدیدی از قدرت ارائه کرده‌اند. آن‌ها در شرایط جدید با پشت سر گذاشتن جریان‌های اصلی تبیین قدرت در روابط بین‌الملل با ارائه نظریه‌هایی مانند سازه‌انگاری و نظریات انتقادی در پی ارائه تبیین جدیدی از قدرت هستند. یکی از ایده‌هایی که در بستر نظریه‌های جدید طرح گردید نظریه قدرت نرم است که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی از سوی جوزف نای استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد ایجاد شد. این نظریه به واسطه ظرفیت تبیین بالایی که از خود نشان داد از سوی

اندیشمندان علوم سیاسی در دنیا مورد استقبال قرار گرفت و ادبیات مربوط به آن به سرعت گسترش پیدا کرد.

واژه قدرت نرم توسط جوزف نای در سال ۱۹۹۰ معرفی شد و در سال‌های بعد (۲۰۰۴، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱) به خاطر بسط مفهوم آن توسط نای به واژه‌ای معروف تبدیل شد. نای قدرت نرم را توانایی دستیابی به قدرتی دانست که آنچه دیگران می‌خواهند همان باشد که شما می‌خواهید یا انتظار دارید (Nye, 1990: 31-32). وی می‌گوید قدرت مانند عشق است: چیزی که نمی‌تواند تعریف یا اندازه‌گیری شود، اما واقعی است. قدرت توانایی تولید نتیجه دلخواه از راه نفوذ در رفتار دیگران برای رسیدن به نتیجه مورد نظر است (Nye, 2011: 5).

با توجه به اینکه قدرت نرم بر ترجیحات دیگران تأثیر می‌گذارد فلذا با منابع قدرت معنوی و نامحسوس مانند فرهنگ، ارزش‌ها و دستور کارهایی که توسط نهادهای مشروع جهانی توصیه شده ارتباط دارد. نای در نوشته‌های خود در زمینه قدرت نرم بر واژه جاذبه تأکید کرده و می‌نویسد: قدرت نرم توانایی دریافت خواسته از طریق جذابیت به جای اعمال زور و فشار است (Nye, 2004: 31-32) در نهایت وی در کتاب «آینده قدرت» تعریف جامع‌تری از قدرت نرم به دست می‌دهد: قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق ابزارهای تنظیم دستور کار، متقاعد کردن و کشف جذابیت‌های مثبت برای دستیابی به نتایج مطلوب است (Nye, 2011: 20-21).

نای قدرت نرم یک کشور را ناشی از سه منبع اصلی فرهنگ آن کشور (آن بخش‌هایی که برای دیگران دارای جذابیت است)، ارزش‌های سیاسی (در مواردی که در داخل و خارج کشور مورد توجه باشند) و سیاست خارجی (در صورتی که قانونی و مسئولانه به نظر برسد) می‌داند (نای، ۱۳۸۷: ۵۱). مواردی همچون هنجارها و قوانین بین‌المللی (که به اقدامات دولت‌ها مشروعیت می‌بخشند و دولت‌ها در انجام آن با مقاومت کمتری از سوی کشورهای تابعه روبه‌رو خواهند شد)، مشروعیت (چنانچه کشوری سیاست‌هایی را که توسط بازیگران صاحب قدرت اعمال می‌شود درست و قانونی بدانند)، سازمان‌های بین‌المللی و حجم و میزان تعامل با آن‌ها (رینولد، ۱۳۸۹: ۷۹-۶۱)، ارائه کمک‌های بشر دوستانه، مناسبات و معادلات فرهنگی، ارتباطات دیپلماتیک مطلوب و گسترده، اتخاذ

سیاست‌های استراتژیک مقبول و برگزاری و مشارکت در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی از سایر منابع قدرت نرم می‌باشد (نای، ۱۳۸۷: ۶۰).

تحقیق حاضر با تحلیل عوامل ظهور ترکیه به عنوان یک قدرت نرم در منطقه خاورمیانه در چارچوب رویکرد منبع محور نظریه قدرت نرم جوزف نای در قالب فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی؛ تأثیر سیاست خارجی ترکیه مبتنی بر حمایت از گروه‌های تکفیری و دخالت در بحران سوریه برای نفوذ در منطقه و تبعات داخلی و خارجی آن را بر ایجاد چالش در قدرت نرم این کشور مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳. فراز قدرت نرم ترکیه در منطقه خاورمیانه:

۳-۱. سنتز فرهنگ اسلامی با مدرنیته

فرهنگ به عنوان یک منبع مهم قدرت نرم قلمداد می‌شود. فرهنگ زمانی موجب افزایش قدرت نرم می‌باشد که در نگاه دیگران تولید جذابیت نماید. این جذابیت موجب همذات پنداری با منابع فرهنگی غالب و در نهایت منجر به نفوذ صاحب فرهنگ برتر در جامعه‌ای می‌شود که مجذوب ارزش‌های فرهنگی آن فرهنگ والاتر شده است. سیاست مدرن ترکیه می‌تواند به عنوان "درگیری بین دو ترکیه" مورد توجه قرار گیرد: درگیری بین ترکیه اسلام‌گرایان و ترکیه سکولارها. در ترکیه، سکولاریسم به طور معمول به عنوان هویت مردم مدرن پیشرفته شناخته شده است؛ در عین حال سکولاریسم ترکیه مخالفین مذهب را هم مجرم شناخته است (Akdoğan, 2004: 86). بنابراین، سکولاریسم راهی برای تعریف دوباره نقش و معنای دین در جامعه ترکیه است. سکولاریسم ابزار بازسازی دین و کنترل آن است که منافع دولت و نخبگان سیاسی ترکیه از زمان تولد جمهوری ترکیه و سیاست خارجی آن را کنترل کرده است.

هرچند تز بازگشت به هویت دینی در ترکیه و اسلام سیاسی نجم‌الدین اربکان در سال ۱۹۹۷ در پی کودتای سفید از صحنه سیاسی ترکیه کنار گذاشته شد اما پیروزی قابل توجه اسلام‌گرایان در انتخابات ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ در قالب حزب عدالت و توسعه منجر به ظهور دوران جدیدی در حکمرانی دولت ترکیه در عرصه بین‌الملل گردید. عقب راندن میراث کمالیسم در ترکیه مبتنی بر یک رویکرد تک خطی لائیکسته و فضای دوقطبی

اسلام‌گرایی - روشنفکری و سنت‌گرایی - مدرنیسم از ویژگی‌های دوران حکمرانی حزب AKP است. AKP نسخه جدیدی از اسلام‌گرایی ارائه داد که در برابر مدرنیته و مدرنیزه کردن نیست، اسلام‌گرایی برای اردوغان و حزب عدالت و توسعه به معنای هویت سیاسی است که بر اولویت نهاد خانواده، اخلاق و تغییرات منظم در چارچوب اهداف ترکیه تأکید می‌کند؛ اردوغان در یکی از سخنرانی‌هایش عنوان کرد: "مهم است که اسلام‌گرایی - به عنوان یک رویکرد سیاسی که روند تاریخ ما را تضمین می‌کند، فرهنگ اجتماعی و در این زمینه، دین نیز - خود را در یک قالب دموکراتیک بازسازی می‌کند" (۲۰۰۶) در این چارچوب، AKP از مدرنیزه سازی اسلام‌گرایانه که به نفع طبقه متوسط، جامعه مدنی، شهرنشینی و اقتصاد بازار آزاد حمایت کرده است (Taşpınar, 2012:26).

تاکید AKP بر نقش دین جهت تعریف زندگی مدرن است. آن‌ها همان هدف پروژه مدرنیزه شدن و پیشرفت کمالیست‌ها را با یک شکل جدید پیگیری می‌کنند، مدرنیته‌ای که آن‌ها پیشنهاد می‌کنند سنت را رد نمی‌کند بلکه آن را قابل جمع با مدرنیته می‌دانند. در سند چشم انداز ملی ترکیه آماده است: ویژگی ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان، اقتصاد نئولیبرالی در حال رشد، همزیستی مسالمت آمیز هویت غربی با هویت اسلامی در یک کشور دموکراتیک است (Yavuz, 2005:3).

به همین دلیل ترکیه علاوه بر پیگیری عضویت در اتحادیه اروپا تمرکز سیاست خارجی خود را خاورمیانه قرار داد. در واقع هویت اسلامی حزب عدالت و توسعه منجر به اتصال ترکیه به خاورمیانه شده است. رهبران حاکم از این هویت مشترک با کشورهای خاورمیانه استفاده کردند و به تقویت روابط با کشورهای خاورمیانه پرداخته و برای به دست آوردن قلوب جوامع مسلمان به برجسته کردن روابط اسلامی و هویت آن‌ها در گفتمان عمومی پرداختند.

از طرفی سیاست آمریکا برای جوامع مسلمان خاورمیانه در چارچوب استراتژی اسلام میانه رو در برابر اسلام جهادی رادیکال و ستیزه‌جویانه نسبت به منافع غرب؛ به میزان قابل توجهی موجب حمایت غرب از ترکیه به عنوان یک کشور الگو در سیاست‌های خاورمیانه گردید. اوباما با تحسین رفتار نخبگان ترکیه در ارائه اسلام معتدل و توسعه بالای اقتصادی

اذعان کرد: «عظمت ترکیه به توانایی شما بستگی دارد. من اعتقاد دارم آن چیزی که دیگران نمی‌فهمند این است که جایی که شما قرار دارید محل تقسیم شرق و غرب است و لازمه پیشرفت شما این است چگونه و به کدام سمت کشیده می‌شوید» (Obama, 2007).

در حقیقت آمریکا، از مدل حکمرانی AKP به عنوان یک مدل مؤثر برای مسلمانان در همزیستی با غرب به عنوان دموکراسی محافظه‌کارانه حمایت جدی بعمل آورد (İlhan, 2009:6). در این چشم انداز، ایالات متحده از ترکیه حمایت کرد تا هویت اسلامی خود را داشته باشد و در مقابل ترکیه نیز با تحول فرهنگی در سیاست خارجی در چارچوب اسلام معتدل و متمایل به لیبرال دموکراسی با استفاده از گفتمان پوپولیستی تلاش کرد تا با نشان دادن همسانی ارزش‌ها، هویت و فرهنگ ترکیه با جوامع مسلمان خاورمیانه در وهله اول بازارهای خود را در خاورمیانه گسترش دهد و در نهایت به عنوان یک الگوی پیشرفته؛ رهبری جهان اسلام را برعهده بگیرد.

۲-۳. تحول پارادیم در سیاست خارجی بر محور قدرت نرم‌افزاری

می‌توان ادعا کرد که عوامل اصلی سیاست خارجی ترکیه و اصولی که از آن به دست می‌آید، از سه عامل میراث عثمانی، موقعیت جغرافیایی و ایدئولوژی کمالیستی سرچشمه می‌گیرد که همیشه خواستار یک سیاست خارجی بی‌حاشیه و صلح‌آمیز برای دولت ترکیه شده‌اند (Marcou, 2012:6). در طول دوره جمهوری؛ از ۱۹۲۳ تا ۲۰۰۲ ترکیه در اغلب موارد در استفاده از استراتژی‌های فرماندهی و مقابله با تهدید، از تحریک دیگر کشورها در روابط خارجی خود اجتناب کرده و در عوض با تمجید از مواضع غیر تهاجمی با احترام به هنجارها و شیوه‌های معتبر جهانی و جستجو برای دستیابی به مشروعیت و اعتبار در چشم دیگران تمایل خود را برای همکاری با سایر کشورها نشان داده است.

از سال ۲۰۰۲ درک جدیدی از سیاست خارجی در دولت عدالت و توسعه شکل گرفت. شگفت آور نیست که چنین تغییری در درک سیاست خارجی AKP با نوشته‌های داوود اوغلو مطابقت دارد. داوود اوغلو استاد روابط بین‌الملل دانشگاه استانبول و وزیر سابق خارجه ترکیه خود در اصول روش شناختی سیاست خارجی ترکیه به روش جدیدی

اشاره می‌کند و آن را قدرت نرم ترکیه می‌نامد. می‌توان گفت که داوود اوغلو از این مفهوم در رد استفاده از قدرت سخت و نظامی در سیاست خارجی ترکیه استفاده کرده است. اجزای اصلی این سیاست جدید، مشکلات صفر با همسایگان با ایجاد کشور مدل و رویکرد عمق استراتژیک است. اصل مشکلات صفر با همسایگان خواستار یک سیاست خارجی مصلحانه نسبت به همسایگان ترکیه شده است. اصل دیپلماسی مصلحانه و عمق استراتژیک تمایل ترکیه به گسترش صلح در منطقه و جهان را نشان می‌دهد. بر این اساس بود که ترکیه موضع خود را نسبت به مسائل مربوط به ارمنستان، سوریه و قبرس، تغییر داد (Taşpınar, 2012: 128).

داوود اوغلو رفتار جدید سیاست خارجی ترکیه را پیگیری مشکلات صفر با همسایگان، حداکثرسازی منافع با آن‌ها و پذیرش یک گفتمان و سبک دیپلماتیک جدید با به کارگیری ابزارهای جدید عنوان می‌کند: «گرچه ترکیه به علت تأمین امنیت خود و در محاصره قدرت‌های بزرگ ارتش قدرتمند خود را حفظ می‌کند، اما قدرت ما تهدیدی علیه دیگران نیست. در عوض، دیپلمات‌ها و سیاستمداران ترکیه زبان جدیدی را در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اتخاذ کرده‌اند که از طریق جاذبه و استدلال و اولویت ابزار غیر نظامی به اهداف ترکیه جامه عمل می‌پوشاند» (Davutoglu, 2001).

در مانیفست حزب عدالت و توسعه بر ضرورت یک سیاست خارجی چند بعدی بر اساس یک چارچوب شناخته شده و یکپارچه با تجمیع سوابق تاریخی، عمق جغرافیایی و فرهنگی و موقعیت استراتژیک کشور تأکید شده است (AKP Election Manifest, 2007). هدف اصلی سیاست خارجی AKP این بود که ترکیه را از موضع واکنش‌پذیر و دفاعی خارج و آن را به یک بازیگر تعیین با چشم انداز منطقه‌ای و جهانی تبدیل کند. بر این اساس روش دستیابی به این هدف در روابط با کشورهای همسایه همان اصل «مشکلات صفر با همسایگان» به منزله ستون فقرات ارتباط با همسایگان تعریف شد و هدف بزرگ پس از آن تبدیل شدن به یک «کشور مرکزی» برای حل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها و جلوگیری از گسترش بحران‌ها عنوان شد. داوود اوغلو در بیانیه انتخاباتی AKP اظهار می‌کند: «ما موقعیت جهانی کشورمان را نه با نقش پل منفعل ارتباطی، بلکه بر محور یک کشور مرکزی و نه با فرایندی محدود و تاکتیکی، بلکه ضرورتی دائمی و

استراتژیک تغییر می‌دهیم» (AKP Election Manifest, 2007). به نظر می‌رسد ستون اصلی دکترین داوود اوغلو یعنی به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و عمق استراتژیک از یک آموزه لیبرال مشتق شده است. به عبارت دیگر، تحولات در سیاست خارجی ترکیه (از جمله دیپلماسی چندجانبه، همکاری، مشکلات صفر با همسایگان، آزاد سازی روداید، استفاده از استراتژی برد-برد، همکاری بی حد و حصر، حل اختلاف و میانجیگری بین کشورها، ترویج ادغام اقتصاد ملی در اقتصاد کشورهای همسایه، دفاع از آرمان‌های دموکراتیک و خواستار شدن نظم جدید بین‌المللی) تأثیر یک درک قوی از لیبرالیسم را نشان می‌دهد. در واقع، نوع‌نویسی یک جنبش سیاسی لیبرال است که با هدف شکل‌گیری عثمانی مدنی بواسطه قدرت نرم و با تشکیل دولت AKP به عنوان یک نقطه عطف اساسی در هزاره جدید در سیاست خارجی ترکیه ظهور و بروز می‌یابد.

۳-۳. توسعه اقتصادی

«تصویر» یک کشور برای قدرت نرم آن بسیار مهم است. رشد اقتصادی برای بهبود تصویر ترکیه نقش زیادی ایفا کرده است. رشد اقتصادی ترکیه نه تنها در گسترش پیام و تصویر مثبت از این کشور نقش زیادی داشته بلکه در امنیت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه مؤثر بوده است. داوود اوغلو، در کتاب عمق استراتژیک معتقد است که وابستگی اقتصادی مهم‌ترین ابزار برای رساندن ترکیه به عمق استراتژیک در خاورمیانه است و در این زمینه به نقش برجسته بخش خصوصی ترکیه در هدایت «دیدگاه استراتژیک» سیاست خارجی این کشور تأکید می‌کند (Murinson, 2006:426). براین اساس، ترکیه شروع به معرفی یک زبان جدید و مثبت از تجارت و همکاری اقتصادی به جای درگیری با همسایگان نمود در حالی که بسیاری از اقتصادها از سال ۲۰۰۸ در رکود مالی جهانی نتوانستند بهبود یابند اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۱۰ رشد ۹٫۲ درصد و در سال ۲۰۱۱ رشد ۸٫۵ درصدی را تجربه کرد. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۲ مبلغی معادل ۲۳۱ میلیارد دلار بوده است که در سال ۲۰۱۱ با رشد ۳ برابری به مبلغی معادل ۷۷۲ میلیارد دلار رسیده و در همین دوره تورم سالیانه از ۵۴٫۴٪ به ۹٫۴٪ کاهش یافت (Karagöl, 2013:86).

حزب عدالت و توسعه که در سال ۲۰۰۲ روی کار آمد، هرچند اصلاحاتی در ساختار مالی و اقتصادی ترکیه انجام داد، اما عملاً در همان مسیری گام گذاشت که در دهه ۱۹۸۰ تورگوت اوزال دنبال می‌کرد. اما تکرار تجربه دهه ۱۹۸۰ این بار در سطحی گسترده‌تر آغاز شد و جذب سرمایه و وام خارجی برای توسعه در دستور کار دولت قرار گرفت. جذابیت ایدئولوژی اسلام سکولار (اسلام میانه‌رو) حزب عدالت و توسعه برای غرب و تلاش آمریکا برای الگوسازی از ترکیه برای جهان اسلام نیز به اجرای این سیاست کمک کرد. مجموع سرمایه مستقیم خارجی وارد شده به ترکیه تا سال ۲۰۰۲ حدود ۱۵ میلیارد دلار بود، در حالی که بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ کشورهای خارجی (عمدتاً غربی) بالغ بر ۱۳۰ میلیارد دلار در ترکیه سرمایه‌گذاری کردند. طی همین سال‌ها ۳۵ هزار شرکت خارجی در ترکیه فعال شدند و به تولید کالاهای مصرفی و خدمات برای جامعه ترکیه پرداختند (The Independent Commission on Turkey, 2014:27-31).

رشد سریع، نرخ تورم تک رقمی، ثبات سیاسی و ادغام عمیق‌تر در اقتصاد بین‌المللی و تبدیل شدن به هفتمین اقتصاد برتر اروپا و افزایش صادرات به بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار مدل ترکیه را به لحاظ چشم انداز اقتصادی برای خاورمیانه جذاب ساخته است (Purtaş, 2013:12) از زمانی که رشد اقتصادی اتحادیه اروپا در پی رکود اقتصادی جهانی کاهش پیدا کرد جذابیت‌های اقتصادی ترکیه موجب گسترش فزاینده روابط اقتصادی این کشور با جهان عرب و خاورمیانه شد. بر این اساس ترکیه برای باز کردن پای خود به عرصه اقتصادی در خاورمیانه توافقنامه‌های تجاری متعددی از جمله مناطق آزاد تجاری با سوریه، مراکش و مقامات فلسطینی در ۲۰۰۴، تونس و مصر در ۲۰۰۵، اردن در ۲۰۰۹ و لبنان در ۲۰۱۰ امضا کرد، افزون بر این، ترکیه با ارائه گذرنامه‌های تجاری زمینه حضور بازرگانان خاورمیانه را به مرزهای خود را باز کرد (T.C. Dışişleri Bakanlığı, 2015).

از طرفی بهبود شاخص‌های اقتصادی موجب سرمایه‌گذاری ترکیه در زیر ساخت‌هایی از جمله صنعت هوایی و گردشگری شده است. حذف روادید و ثبات سیاسی ترکیه تا قبل

1. Turgut Özal

۲. سیاست‌های آزادسازی اقتصادی هشتمین رئیس‌جمهور ترکیه تورگوت اوزال مبتنی بر استراتژی جایگزینی واردات و اقتصاد صادرات محور

از سال ۲۰۱۵ موجب شده تا سهم زیادی از مقاصد گردشگران خاورمیانه به سمت ترکیه تغییر پیدا کند. در حالی که برای چند دهه بیروت پایتخت گردشگری اعراب محسوب می‌شد بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ (تا زمان ظهور تروریسم و بی‌ثباتی سیاسی در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶)، استانبول به مقصد برتر گردشگران عرب تبدیل شده بود. افزایش گردشگران درآمد ترکیه از بخش گردشگری را به شدت بالا برد و یکی از مؤلفه‌های مهم در رونق اقتصاد ترکیه بوده است.

۳-۴. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی به عنوان یک ابزار قدرت نرم ناظر بر فعالیت‌های درک، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری عمومی می‌باشد. دیپلماسی عمومی از نظر روش‌ها و ابزارها با دیپلماسی سنتی متفاوت است. دولت ترکیه به دلیل سیاست نرم افزاری خود به منظور به دست آوردن دل و ذهن جوامع مسلمان به دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی به عنوان یک ابزار استراتژیک نگاه کرده است. دولت AKP در ابتدا، بازسازی نهادها و مؤسسات موجود و سپس ایجاد مؤسسات و سازمان‌های جدید را هدف قرار داد (Ayhan, 2013:68). در این زمینه، مؤسسات جدید مانند دفتر هماهنگی دیپلماسی عمومی دولتی، مؤسسه یونس امره و مؤسسه جوامع ترکان و اقوام خارج از کشور به عنوان کانال جدید در سیاست خارجی و آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه در قالب دیپلماسی عمومی مجدداً سازماندهی شد.

۳-۴-۱. دفتر هماهنگی دیپلماسی عمومی دولتی: تصویرسازی از ترکیه جدید

جاه طلبی رهبران AKP برای تبدیل ترکیه به قدرت برتر منطقه‌ای و بازیگر جهانی منجر به ایجاد دفتر هماهنگی دیپلماسی عمومی در نخست وزیری این کشور در ژانویه سال ۲۰۱۰ شد. هدف این نهاد استفاده از راهبرد استراتژیک دیپلماسی عمومی بود تا پیشرفت ترکیه را با رویکرد مدرن که اقتصاد سرمایه داری نئولیبرالی را مدنظر قرار داده است، به جهانیان توضیح دهد. ابراهیم کلین رئیس سابق این دفتر؛ تاریخ، فرهنگ، جغرافیا، قدرت اقتصادی و دموکراسی را به عنوان پایگاه‌های اصلی قدرت نرم ترکیه می‌داند. او دیپلماسی عمومی را بستر اجرای قدرت نرم توصیف می‌کند و می‌گوید: «ترکیه جدید در نتیجه یک فهم ژئوپولیتیکی جدید با ایجاد دیپلماسی عمومی به دنبال ارائه تصویر ترکیه جدید به

مخاطبان بین‌المللی است» (Warlick, 2016:14). یکی دیگر از دلایل ایجاد دفتر هماهنگی دیپلماسی عمومی دولتی هماهنگی بین نهادهای دولتی مانند وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و دیگر مؤسسات فعال در حوزه قدرت نرم است. علاوه بر این، این دفتر برنامه‌های دیپلماسی عمومی در حوزه دانشگاهی و آموزشی مانند پذیرش دانشجویان خارجی خصوصاً از آفریقا و خاورمیانه را انجام می‌دهد.

۳-۴-۲. مؤسسه یونس امره؛ دیپلماسی فرهنگی

دولت ترکیه با الگوگیری از نهادهای دیپلماسی عمومی غرب مؤسسه فرهنگی قدرتمند یونس امره را معادل با مرکز فرهنگی آمریکا، شورای بریتانیا، مؤسسه فرهنگ فرانسه و مؤسسه گوته آلمان در سال ۲۰۰۷ برای تبلیغ فرهنگ، هنر و ارزش‌های ترکیه افتتاح کرد. اساسنامه مؤسسه بیان می‌کند که هدف این نهاد «ارتقای زبان، تاریخ، فرهنگ و هنر ترکیه، افزایش تبادلات فرهنگی با کشورهای دیگر، ارائه اطلاعات و مدارک مرتبط با ترکیه جهت استفاده مخاطبان خارج از کشور، ارائه افرادی خدمات آموزش زبان ترکی» (Develi, 2015:54). اولین مرکز این مؤسسه در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۹ در بوسنی با نام "مرکز فرهنگی یونس امره ساریوو" افتتاح شد. هم‌اکنون مراکز فرهنگی یونس امره ترکیه با هویت غیر دولتی در بیش از ۵۰ کشور در اروپای شرقی، آفریقا و خاورمیانه شعبه دارد.

فعالیت‌های مؤسسه یونس امره را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: فعالیت‌های آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی هنری. مؤسسه با هدف جهانی‌سازی زبان ترکی، دوره‌های زبان ترکی را آموزش می‌دهد. دانش‌آموزان در دوره‌های زبان ترکی فرصت‌هایی برای شناخت فرهنگ و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی با مراجعه به شهرهای مختلف ترکیه همراه با راهنماهای فرهنگی بدست می‌آورند. در بخش فرهنگی؛ مؤسسه جشنواره‌های فرهنگی هنری (فیلم، جشنواره غذا، جشنواره هنر سنتی)، مسابقات (خواندن شعر، نقاشی)، جلسات علمی و دانشگاهی، نمایشگاه‌ها (زبان، کتاب، آموزشی، تبلیغاتی و گردشگری)، دوره‌ها (صنایع دستی سنتی، موسیقی، غذا، عکاسی، نقاشی و رقص محلی) را در مراکز فرهنگی سازماندهی و اجرا می‌کند. علاوه بر این، مؤسسه یونس امره، پروژه‌هایی مانند

تورکولوژی، بازسازی میراث فرهنگی ترکیه در بالکان و احیای صنایع دستی سنتی ترکیه را برعهده دارد. هدف از پروژه تورکولوژی، آشنایی با فرهنگ و زبان ترکی و انتخاب آن به عنوان زبان خارجی انتخابی در مدارس کشورهای میزبان مراکز فرهنگی یونس امره می‌باشد (Sarper&Arman,2016:143-166).

۳-۴-۳. مؤسسه جوامع ترکان و اقوام خارج از کشور (YTB): دیپلماسی دیاسپورا
امروزه دیاسپورا نقشی حیاتی در دیپلماسی عمومی کشورها باز می‌کند. این امر در روابط بین‌الملل به ویژه در رابطه با لابی کردن اهمیت دارد و می‌تواند به عنوان اهرم دیپلماتیک عمل کند. حکومت AKP سیاست به کارگیری ترک‌های خارج از این کشور را با ایجاد مؤسسه جوامع ترکان و اقوام خارج از کشور در سیاست خارجی ترکیه وارد کرد. توجیه باز کردن مؤسسه و وظیفه آن ماده ۶۲ قانون اساسی است: «دولت بایستی اقدامات لازم برای شهروندان ترکیه که در کشورهای خارجی کار می‌کنند جهت انسجام خانوادگی، آموزش و پرورش، نیازهای فرهنگی و ارتباط با میهن را فراهم کند و برای بازگشت به میهن به آن‌ها کمک کند». این مؤسسه در حقیقت به منظور ایجاد یک بازوی لابیگری با استفاده از ترک تبارها در اروپا (به خصوص آلمان) و امریکا ایجاد و هدف آن شش میلیون شهروند خارج از کشور ترکیه است (KALIN,2010:49).

مؤسسه YTB مأموریت خود را در پنج حوزه کاری شهروندان خارج از کشور، همسایگان، سازمان‌های غیر دولتی و دانشجویان خارجی سازماندهی کرده است. مأموریت‌های نرم افزاری و دیپلماسی عمومی این مؤسسه تا سال ۲۰۱۶ به ۲۲۸ و تا ۲۰۱۷ به ۲۵۰ پروژه رسیده است (YILMAZ, 2017:120). این مؤسسه «بورس تحصیلی ترکیه» را که به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فعالیت‌های دیپلماسی عمومی ترکیه محسوب شود و معادل با بورس تحصیلی فولبرایت در ایالات متحده باشد از سال ۲۰۱۲ به دانشجویان خارجی پرداخت می‌کند. این بورس‌های تحصیلی به ترتیب با توجه به گرایش سیاست خارجی ترکیه به کشورهای ترک زبان (آسیای مرکزی)، بالکان، خاورمیانه، آفریقا و کشورهای جنوب آسیا پرداخت می‌شود. تقاضا برای بورس تحصیلی ترکیه در سالهای

1. Turcology

2. Yurtdışı Türkler ve akraba toplulukları başkanlığı teşkilatı

۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ به سرعت افزایش یافت. در ابتدا، ۹۰ هزار تقاضا برای بورس تحصیلی وجود داشت، در حالی که بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به ۱۵۵ هزار درخواست از ۱۸۲ کشور رسید که از این تعداد تا سال ۲۰۱۶ به بیش از ۵۰ هزار دانشجو بورس تحصیلی اعطا شده است (Aydin, 2017:370).

۳-۴-۴. آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه (TIKA): کمک‌های خارجی و دیپلماسی بشردوستانه

آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه در سطح نهادی برای اولین بار پس از سقوط شوروی در سال ۱۹۹۱ برای تقویت نفوذ این کشور در بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی تأسیس شد. این سازمان با وام و کمک‌های مالی در زمینه‌های اقتصاد، تجارت، فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگ و آموزش؛ توسعه نفوذ در کشورهای منطقه را هدف قرار داد. حزب حاکم ترکیه در ادامه سیاست‌های نرم افزاری خود، مجدداً TIKA را در سال ۲۰۱۱ سازماندهی کرد. بر این اساس، سازمان و ساختار آژانس که قبلاً بر آسیای مرکزی و قفقاز، بالکان و اروپای شرقی متمرکز بود به سمت خاورمیانه و آفریقا تغییر کرد. تنها در سال ۲۰۱۴ هزینه پروژه TIKA برای خاورمیانه به ۳,۶ میلیارد دلار میلیون دلار رسیده بود (Demiryol, 2014:6-11).

پس از سازماندهی مجدد TIKA، زمینه فعالیت آن به بخش‌های مختلفی از جمله خدمات زیربنایی اجتماعی، آموزش و پرورش، بهداشت، کشاورزی، جمعیت، آب، خدمات زیربنایی اداری و غیر نظامی و خدمات زیرساخت اقتصادی افزایش پیدا کرد. فعالیت‌های انجام شده توسط آژانس در حوزه‌های مختلف بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ به ۲ هزار پروژه رسیده بود، در حالی که این تعداد بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ به بیش از ۱۱ هزار پروژه رسیده است که به معنی ۹۶ درصد افزایش است (Hatipoğlu, 2013:167-189). به این ترتیب، TIKA به عنوان یک نهاد معتبر جهت کمک‌های خارجی و دیپلماسی انسان دوستانه ترکیه در سطح جهانی به میزان قابل توجهی به اعتبار بین‌المللی ترکیه کمک کرده است و تصویری از یک بازیگر جهانی یاری رساننده به دیگران را به این کشور بخشیده است.

۳-۵. رسانه‌ها

رسانه‌ها اندام حیاتی برای قدرت نرم هستند. دولت‌ها با استفاده از رسانه به عنوان یک اهرم دیپلماتیک و حتی به عنوان یک سلاح برای حمایت افکار عمومی بین‌المللی در جنگ‌های ایدئولوژیک استفاده می‌کنند. در این زمینه، سنی‌ان در ایالات متحده آمریکا، بی‌بی‌سی در بریتانیا، راشاتودی در روسیه، شینهوا در چین، دویچه‌وله در آلمان و الجزیره در جهان عرب در حال حاضر به خوبی نمایانگر یک جنگ جهانی رسانه‌ای برای انتقال فرهنگ و اثربخشی سیاست کشورهای خود هستند. برای ترکیه با رویکرد نرم افزاری که توسط AKP اتخاذ شد استفاده از رسانه برای نشان دادن جذابیت و ایجاد یک ادراک مثبت از ترکیه در جهان اهمیت مضاعف داشت. ترکیه با استفاده از رسانه‌ها تلاش کرد تا تصویری از کشور ترکیه به عنوان گهواره تمدن‌های مختلف با میراث چند فرهنگی عثمانی و هویت دموکراتیک و مسلمان به جامعه جهانی منعکس کند و در این زمینه، دولت خود را یک الگو برای غرب و جهان اسلام معرفی کند. از این رو نخبگان دولت عدالت و توسعه سرمایه‌گذاری بالایی برای سازماندهی مجدد کانال‌های خبری بین‌المللی ترکیه انجام دادند.

سازمان رادیو و تلویزیون ملی ترکیه (TRT) و خبرگزاری آناتولی (AA) هر دو بازسازی شده و توسعه یافتند تا تبدیل به ابزار ارتباطی ضروری دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ترکیه در محیط جنگ رسانه‌های بین‌المللی برای نمایش پیشرفت‌های ترکیه و بالا بردن محبوبیت آن در مناطق مختلف جهان به ویژه منطقه خاورمیانه شوند. در این بازسازی نخستین کانال TRT جدید به زبان عربی در سال ۲۰۱۰ راه اندازی شد. سخن مدیر این شبکه، سیف توران که بیان می‌کند «هدف اصلی TRT عربی معرفی ترکیه به طور مستقیم و بدون واسطه به اعراب است» (Howeidy, 2010: 18) نشان دهنده سیاست رسمی دولت ترکیه برای نفوذ و تاثیرگذاری در افکار عمومی کشورهای عربی است. هم‌اکنون TRT عربی به همراه شبکه‌های کودک و موزیک به صورت ۲۴ ساعته مشغول پخش اخبار و برنامه‌های تلویزیونی برای مخاطبان عرب در خاورمیانه است.

1. Turkish Radio and Television Corporation
2. Anadolu Agency

اما سرمایه گذاری گسترده ترکیه در صنعت تولید و پخش سریال‌های تلویزیونی اقبال زیادی در دنیا به خصوص در بین مردم خاورمیانه داشته است و به عنوان یکی از نمادهای قدرت نرم ترکیه از آن یاد می‌شود. چهارصد سال پس از فروپاشی حکومت عثمانی در خاورمیانه در نتیجه افزایش ناسیونالیسم و ملی‌گرایی عربی، تلویزیون خانه‌های اعراب پر از نوستالوژی سریال‌های ترکی است. سریال‌هایی که بعضی از آن‌ها حتی در خود ترکیه هم فروش زیادی نداشته است (Marcou, 2012:13). بسیاری از زنان عرب شخصیت اصلی سریال نور (مه‌اند) را تحسین می‌کنند و از طرف دیگر بسیاری از مردان عرب به طور جدی به این شخصیت حسادت می‌کنند، زیرا همسرانشان می‌گویند: چرا شما نمی‌توانید بیشتر شبیه او باشید؟ (Salamandra, 2013:56) این محبوبیت رو به رشد نمایشنامه‌های ترکیه می‌تواند به عنوان افزایش قدرت نرم ترکیه در خاورمیانه محسوب شود. سریال‌های ترکیه یک تصویر از یک کشور اسلام‌گرا و سکولار ایده‌آل را نشان می‌دهند و ترکیه را به عنوان الگو برای کشورهای همسایه مسلمان خود به تصویر می‌کشند.

سریال ترکی و صد قسمتی نور ۸۵ میلیون و یا سریال دیگری با عنوان فاتما^۲ ۷۰ میلیون بیننده در خاورمیانه جذب کرده است است (Yanardağooğlu & Karam, 2013:570). این سریال‌ها مسلمانانی با سبک زندگی مدرن، زندگی سطح بالا و برابری مردان و زنان را نشان می‌دهند که در جوامع بسته عرب بسیار جذاب می‌نماید. این سریال‌های تلویزیونی می‌تواند به عنوان یک ابزار اجتماعی قوی برای تغییر و تأثیرگذاری بر تفکر و بهره برداری از دل‌ها و ذهن‌ها مورد استفاده قرار گیرد. ترکیه با استفاده از تلویزیون توانسته تأثیر زیادی در خانه‌های اعراب ایجاد کند و به تبادل فرهنگی بین ترکیه و جهان عرب کمک کند. یک نظرسنجی سالانه نشان می‌دهد با همه‌گیری سریال‌های ترکی و نشان دادن رفاه و موفقیت‌های اقتصادی ترکیه؛ تصویر این کشور در جهان عرب که در قرن بیستم اکثراً منفی بود از ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۱ به طرز شگفت‌انگیزی به نگاه مثبت تبدیل شده است (TESEV,2013).

1. Muhannad
2. Fatmagül'ün Suçu Ne

در نهایت می‌توان گفت نمایش زندگی مردان و زنان خوش تیپ با ارزش‌های سکولار زیر یک ماسک اسلامی و همذات‌پنداری مردم خاورمیانه با آن‌ها نه تنها موجب ایجاد تصویر مثبت از ترکیه و تسخیر قلب و ذهن اعراب شده بلکه موفقیت سریال‌های ترکی در ترکیب سنت و مدرنیته و اتصال سبک زندگی غربی و اسلامی به یکدیگر؛ به اعراب نشان می‌دهد که می‌توانند با توجه به قرابت فرهنگی و جغرافیایی «مدل ترکیه» را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقلید کنند.

۴. تحولات عربی خاورمیانه؛ افول گفتمان نرم افزایشی ترکیه

چینش عناصری که در بالا ذکر شد محبوبیت زیادی برای ترکیه در خاورمیانه به ارمغان آورد اما از سال ۲۰۱۱ و در پی انقلاب‌های موسوم به بهار عربی به خصوص پس از بحران سوریه روند افزایش محبوبیت ترکیه به یکباره تغییر کرد. در حالی که به نظر می‌رسید فرصت طلایی جهت افزایش نفوذ ترکیه در منطقه خاورمیانه ایجاد شده اما گذشت زمان نشان داد حوادث سیاسی خاورمیانه نه تنها باعث افزایش نفوذ ترکیه در منطقه نمی‌شود بلکه بر قدرت نرم ترکیه هم تأثیر منفی دارد. به عبارتی سال ۲۰۱۱ به یک نقطه عطف در گفتمان قدرت نرم ترکیه تبدیل شد که در آن روند صعودی قدرت نرم این کشور به روند نزولی تبدیل شد.

قیام‌های مردمی جهان عرب در دسامبر ۲۰۱۰ در تونس آغاز شد و تعدادی از رژیم‌های اقتدارگرای عربی یک به یک سقوط کردند و وضعیت کشورهای خاورمیانه، از نظر سیاسی و امنیتی به وخامت گرایید. در ابتدا، شورش‌ها محصول دموکراتیزه شدن بودند به همین دلیل، تحولات به عنوان بهار عربی توصیف شد. اما پس از یک زمان بسیار کوتاه، تخریب دولت‌های پس از انقلاب شروع شد. کودتای نظامی مصر، جنگ داخلی در یمن، لیبی و سوریه نتیجه تحولات در خاورمیانه بودند.

سیاست خارجی ترکیه در اوایل تحولات بهار عربی تلاش کرد تا با استفاده از امکانات نرم افزایشی خود به صدور الگوی مورد نظر خود به کشورهای خاورمیانه بپردازد. اردوغان ترکیه را به عنوان مثال همزیستی اسلام، سکولاریسم و دموکراسی با اقتصاد در حال پیشرفت معرفی کرد (Öniş, 2012: 50). داوود اوغلو از بهار عربی به عنوان «عادی

سازی تاریخ» نام برد و از تحلیلگران و روزنامه‌نگاران خواست درباره مدل ترکیه و صدور آن صحبت کنند (Öniş, 2012: 59)، اما نخبگان APK این واقعیت را نادیده گرفته بودند که مدل ترکیه نتیجه پیچیده‌ای از تاریخ و هویت انحصاری خود ترکیه است که احتمال کاربرد آن در جای دیگر کم است. دولت AKP در حمایت از مردم مصر و دولت اخوانی تحت رهبری محمد مرسی، در کنار قطر به عنوان حامی اصلی تلاش زیادی کرد اما مداخله نظامی و حذف اخوان‌المسلمین و مرسی از ریاست جمهوری مصر به مثابه شکست ترکیه در صدور مدل حکومت خود به کشورهای خاورمیانه بود.

اما چالش اصلی سیاست منطقه‌ای ترکیه در بحران سوریه هویدا شد. سوریه تا پیش از تحولات عربی آزمایشگاه الگوی سیاست قدرت نرم ترکیه بود. سوریه تا قبل از سال ۲۰۱۱ نمونه‌ای کامل برای «راهبرد مشکلات صفر با همسایگان» داوود اوغلو بود. روابط ترکیه و سوریه با توجه به مشکلات تاریخی دو کشور در خصوص مالکیت استان هاتای، رودخانه فرات و رودخانه تیگری همیشه بر پایه قدرت سخت افزاری بوده است (Phillips, 2012:33). این مسائل دو کشور را در سال ۱۹۹۸ در آستانه جنگ قرار داده بود اما روابط خصمانه پس از توافق آدانا که در اکتبر سال ۱۹۹۸ به امضا رسید بهبود یافت. ترکیه این پروتکل را مبنای پیگیری سیاست غلبه بر مشکلات با سوریه و بهبود آن قرار داد. رابطه بین دو کشور در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ بسیار طولانی بود. شاخص‌های توسعه روابط بین دو کشور بر اساس بازدیدهای مکرر دوجانبه، موافقت نامه‌های دوجانبه و افزایش حجم تجارت پیشرفت زیادی کرد وزارت امور خارجه ترکیه در بیانیه‌ای اعلام کرد که «حجم تجارت ترکیه با سوریه از ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ به ۲/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده و هدف ما رسیدن به ۵ میلیارد دلار در کوتاه‌ترین زمان ممکن است» (Welch, 2013:71). با این حال، پس از آنکه بهار عربی به سوریه تسری یافت، رابطه بین دو کشور به سرعت شروع به خراب شدن کرد؛ داوود اوغلو وزیر امور خارجه در ماه اوت ۲۰۱۱ برای آخرین بار از دمشق بازدید کرد و از اسد خواست برای متوقف کردن استفاده از نیروهای مسلح علیه تظاهرات مردمی تلاش کند (Phillips, 2012:26)، اما از آنجا که ترکیه تحرکات دیپلماتیک را برای تغییر نگرش اسد کافی نمی‌دانست با ترک

سیاست نرم افزاری خود و اینکه سقوط دولت اسد را حتمی می‌پنداشت تلاش کرد تا سهم بیشتری پس از سقوط سوریه برای خود تدارک ببیند.

این تغییر استراتژیک در سیاست خارجی ترکیه همچنین دیگر مداخلات ترکیه در کشورهای عربی نه تنها جذابیت مدل ترکیه را تحت الشعاع قرار داد بلکه بحران از سوریه به درون مرزهای ترکیه نیز سرازیر شد و مولفه‌های بیشتری از قدرت نرم این کشور را به چالش کشید که در ادامه این چالش‌ها بررسی می‌شود.

۴-۱. استفاده از قدرت سخت افزاری

بالاگرفتن سطح خشونت علیه معترضین و ورود پناهندگان سوری به ترکیه این کشور را بر آن داشت تا با نادیده گرفتن روابط گذشته با دولت اسد رویکردی بر مبنای قدرت سخت با این متحد اقتصادی دیروز خود در پیش بگیرد. در تابستان سال ۲۰۱۱ دولت AKP گفت‌وگوی دیپلماتیک را با اسد متوقف و تصمیم گرفت از شورشیان سوری تحت عنوان ارتش آزاد و جبهه النصره حمایت کند (Hersh, 2016: 13). بشار اسد در چندین مصاحبه ترکیه را از ورود به مناقشات سوریه برحذر داشت. در نوامبر ۲۰۱۲، وی اعلام کرد: [اردوغان] خود را سلطان جدید عثمانی می‌داند و فکر می‌کند که می‌تواند منطقه را به همان شیوه‌ای که عثمانی‌ها در گذشته تصرف کرده‌اند، کنترل کند (Öniş, 2014: 2).

سیاست حمایت از معارضین مسلح سوری و تهدید کرده‌های سوریه که ارتباط تنگاتنگی با پ.ک.ک دارند آنکارا به حضور سخت افزاری در سوریه مجبور کرد. از این رو شمال سوریه؛ محل تجمع نیروهای کرد حزب اتحاد دموکراتیک که از دید ترکیه شعبه سوری پ.ک.ک بود به سیل حملات ارتش ترکیه با بهانه حفظ امنیت داخلی این کشور و از بین بردن تهدید گروه‌های کردی مسلح بدل شد. با عملیات سپر فرات در اواخر سال ۲۰۱۶ میلادی، آنکارا نگاه خود را به سمت تصرف و الحاق بخشی از سرزمین‌های سوریه به خاک خود برد. در سایه همین سیاست ارتش ترکیه توانست موافقت روسیه را در چارچوب مناطق کاهش تنش کسب کند تا با تداوم عملیات‌های سپر فرات و بعد از آن شاخه زیتون مناطق الباب، کوبانی، عفرین و منبج را تصرف کند.

آنکارا برنامه‌های خاصی هم برای ایجاد بستر سیاسی، اجتماعی و حتی آموزشی مناطق تحت اشغال خود مانند منبج و عفرین با استفاده از نیروهای گُردی همسو با خود دارد تا بتواند این مناطق را ذیل فرهنگ و نگاه خود تغییر داده و در این راستا فضا را برای الحاق این مناطق در آینده به خاک خود مناسب سازد. اما حتی متفکران عربی که از انقلاب علیه حکومت سوریه حمایت می‌کنند، اعتقاد دارند ترکیه با دست اندازی به خاک سوریه تصویر اصلی و خطرناک خود را نشان داده است به ویژه؛ حمایت ترکیه از شورشیان افراطی (مثل جبهه‌النصره)، موجب شده بسیاری از افراد به رفتار سلطه جویانه آنکارا در جنگ داخلی سوریه اعتراض کنند (The Independent Commission on (Turkey, 2014).

۴-۲. بحران‌های امنیتی و بی‌ثباتی سیاسی

کشورها برای ایجاد و یا بهبود تصاویر خود در اذهان ملت‌های دیگر به توسعه محیط امنیتی خود روی می‌آورند به عنوان مثال، ژاپن و آلمان سیاست‌هایی از قبیل کمک‌های بشردوستانه و رشد و صدور تکنولوژی را برای صلح آمیزتر نشان دادن سیاست‌های کشورشان به منظور بهبود تصویر خود پس از جنگ جهانی دوم اجرا کردند. اما آنکارا با تغییر سیاست‌هایش در محیط امنیتی خاورمیانه نه تنها تصویر در حال ظهور خود را بعنوان یک دولت حافظ نظم و امنیت منطقه‌ای مخدوش کرد بلکه ثبات داخلی خود را نیز تضعیف کرد.

در نتیجه دخالت در بحران سوریه قطبیت ایدئولوژیک در ترکیه رشد کرده و با توجه به بافت قومی و سیاسی جامعه ترکیه به نظر می‌رسد قطب‌های مختلف ملی‌گرایی ترکی - استقلال‌طلبی کردی، حامیان دولت AKP - مخالفان دولت AKP، اسلام‌گرایان - سکولارها و اهل سنت - علوی‌ها با توجه به دیدگاه‌های خود به سیاست‌های داخلی و خارجی دولت اعتراض دارند (Aygül, 2014: 415). حل نشدن مسأله‌های امنیتی این اعتراضات موجب بی‌ثباتی و مخاطرات سیاسی و اقتصادی در ترکیه شده است. در ادامه به برخی از بحران‌های امنیتی و سیاسی که موجب کاهش تصویر ترکیه به عنوان یک کشور باثبات و پایدار شده است خواهیم پرداخت.



۴-۲-۱. اعتراضات پارک گزی

در ۳۱ مه ۲۰۱۳، یک تظاهرات محلی در برابر تخریب یک پارک عمومی در قلب استانبول (پارک گزی) به یک چرخه اعتراض ضد دولتی تاریخی در سطح کل ترکیه تبدیل شد. در این روز، پلیس به پارک حمله کرد تا چند صد معترض را که فضایی را اشغال کرده بودند تا از تخریب پارک به عنوان بخشی از پروژه توسعه شهری جلوگیری کنند پراکنده کردند. اما ظرف دو هفته بعد صدها هزار نفر در سرتاسر کشور به خصوص شهرهای بزرگ ترکیه (استانبول، آنکارا، ازمیر و اسکی شهر) در یک واکنش جمعی خودخواسته به آنچه که اعتراض به حکومت اقتدارگرایانه حزب عدالت و توسعه می‌خواندند، در خیابان‌ها بودند. یک حادثه کوچک به یکباره تبدیل به یک بنیان و نماد مقاومت در برابر حکومت AKP و اقتدار در حال افزایش اردوغان گردید. این اعتراضات به واسطه شبکه‌های اجتماعی به سرعت فراگیر و به یک جنبش قوی ضد دولتی تبدیل شد که یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی و سیاسی در ترکیه در سال‌های اخیر بود.

اعتراضات پارک گزی ثبات اقتصادی ترکیه را تضعیف کرد به طوری که ارزش لیر در طول یک هفته بعد از این اعتراضات ۷٪ کاهش یافت (Akdeniz, 2013:8). از سوی دیگر آزادی بیان و آزادی مطبوعات در ترکیه محدود شد. به عنوان مثال، در فوریه ۲۰۱۴، پارلمان ترکیه قانون جدید اینترنت را تصویب کرد که به دولت اجازه می‌داد مجوز هر وبسایتی را مسدود کند و شرکت‌های اینترنتی را ملزم کرد خدمات ارائه شده به کاربران را ذخیره و در صورت درخواست دولت ظرف ۲۴ ساعت آن را در اختیار مقامات قرار دهند. درحالی‌که در سال ۲۰۰۵، رتبه بندی ترکیه در فهرست سالانه آزادی مطبوعات گزارشگران بدون مرز از ۱۷۸ کشورها ۹۸ بود این رتبه در سال ۲۰۱۳ به ۱۵۴ کاهش یافت (Independent Commission on Turkey, 2014: 15). حوادث پارک گزی قطب بندی میان بخش‌های مختلف جامعه ترکیه را احیا کرد و به تصویر بین‌المللی ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان با داعیه دموکراسی که خود را یک مدل برای بقیه جهان اسلام می‌دانست آسیب زد.

۴-۲-۲. کودتای نظامی نافرجام

در ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ تعدادی از نظامیان ارتش با کنترل بخش‌هایی از نیروهای مسلح ترکیه پارلمان و کاخ ریاست جمهوری ترکیه را بمباران و بر علیه دولت AKP اعلام کودتا کردند. رهبران کودتا که نام خود را شورای صلح در خانه نهاده بودند فرسایش سکولاریسم، نابودی حکومت دموکراتیک، بی‌اعتنایی به حقوق بشر و از دست دادن اعتبار ترکیه در عرصه بین‌المللی را به عنوان دلایل کودتا بیان کردند (Tugal, 2016:15). اما حضور و مقاومت مردم در خیابان‌ها و نیروهای مسلح وفادار به دولت موجب ناکامی طرح‌های کودتا و شکست آن شد. در نهایت جنبش گولن، که قبلاً توسط دولت به عنوان سازمان تروریستی معرفی شده بود، متهم به برنامه‌ریزی و تلاش برای کودتا شد.

اگرچه این بار کودتای نظامی در ترکیه ناکام شد، اما روایت‌هایی که AKP مبنی بر دموکراتیزاسیون ترکیه و کنترل ارتش این کشور ارائه می‌کرد دچار خدشه نمود. در طول کودتا ۳۰۰ نفر کشته و ۲۱۰۰ نفر مجروح شدند و در ادامه بیش از ۱۶۰ هزار نفر از مقامات نظامی، غیرنظامیان و کارمندان دولت (افسران پلیس، قضات، معلمان و...) که به طور فعال یا غیرمستقیم در کودتا شرکت داشتند دستگیر و یا از محل کارشان اخراج شدند (Oğuzlu, 2013:12).

دستگیری مخالفان اردوغان از جمله نظامیان و خبرنگاران مخالف حکومت به جرم همراهی با گولن موجب اعتراض کشورهای اروپایی گردید به نحوی که دولت AKP به طور مداوم کشورهای اروپایی را به مداخله در امور ترکیه متهم کرده است. این اتفاقات ضربه زیادی به قدرت نرم ترکیه وارد کرد. درحقیقت می‌توان گفت که تصویر و شهرت ترکیه علی‌رغم تحکیم قدرت اردوغان پس از کودتا، صدمات فراوانی یافته است. با توجه به رتبه بندی کنونی دو کمیته آزادی و گزارشگران بدون مرز در حال حاضر ترکیه به عنوان یکی از پایین‌ترین کشورهای آزاد طبقه بندی شده است (Freedom House, 2018)؛ به عبارت دیگر قرار گرفتن ترکیه در کنار ونزوئلا و کشورهای آسیای مرکزی این کشور را در رده کشورهای بی‌قرار داده که توسط رهبران اقتدارگرا اداره می‌شوند.

۴-۲-۳. حوادث تروریستی

بی‌ثباتی داخلی، تروریسم تکفیری در جریان بحران در سوریه و درگیری‌های تازه دولت با جریان کردی در جنوب و شرق ترکیه به وضعیت امنیتی در ترکیه آسیب زده است. عملیات سپر فرات در سوریه که اهداف خود را از بین بردن حملات فرامرزی داعش و جلوگیری از اتحاد زمینی حزب پ.ک.ک ترکیه با کردهای شورشی سوریه اعلام کرده بود موجب ظهور موج بزرگی از حملات تروریستی در ترکیه گردید.

حمله تروریستی تهدید یا استفاده واقعی از نیروی غیرقانونی و خشونت توسط یک شخص غیر دولتی برای رسیدن به یک هدف سیاسی، اقتصادی، مذهبی یا اجتماعی است. از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۱۷ افزایش قابل ملاحظه‌ای در حملات تروریستی به نظامیان و کارکنان دولتی از سوی پ.ک.ک و مردم عادی و گردشگران از سوی داعش قابل مشاهده است. تنها در سال ۲۰۱۵، ۴۸۴ نفر در اثر حملات جان خود را از دست دادند (BBC News, 27 July 2015).

از جمله مهم‌ترین حملات تروریستی که طی سالیان گذشته در ترکیه رخ داده است می‌توان به حمله تروریستی در باشگاه ورزشی «بشیکتاش»، ترور سفیر روسیه در آنکارا، حمله تروریستی به یک مراسم عروسی در شهر غازی عنتاب و حمله به باشگاه شبانه رینا لحظاتی پس از آغاز سال ۲۰۱۷ در استانبول و بمب گذاری‌های متعدد در شهرهای بزرگ ترکیه اشاره کرد. در پی این حملات تروریستی حدود صدها نفر جان خود را از دست داده‌اند و ثبات و امنیت در ترکیه به طرز چشمگیری به وخامت گراییده است. در این وضعیت اگرچه اقتدار کشور در دولت مرکزی آنکارا حفظ شده است اما هم‌اکنون از دید بین‌المللی ترکیه به عنوان یک کشور ناپایدار که در اداره کشورش با مشکل مواجه است نگرسته می‌شود.

۴-۳. کاهش رشد اقتصادی

پس از رونق چشمگیر اقتصاد ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۱ که به طور متوسط رشد ۷ تا ۸ درصدی را تجربه کرد در سال‌های اخیر نرخ رشد سالیانه این کشور در حدود دو تا سه درصد باقی مانده است (Tugal, 2016:15). دلیل این کاهش عملکرد رشد سالیانه به

طور کلی بواسطه دو عامل اتفاق افتاده است: عوامل خارجی و عوامل داخلی؛ عوامل خارجی تاثیرگذار بر اقتصاد ترکیه به عنوان یک کشور مهم تجاری شوک‌هایی است که به طور مستقیم بر اقتصاد این کشور وارد شد. وقوع بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و قیام‌های مردمی خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ موجب شد ترکیه نتواند به رشد سابق خود ادامه دهد. بروز جنگ داخلی در کشورهای منطقه خاورمیانه بخصوص عراق، سوریه و لیبی با توجه به سرمایه‌گذاری گسترده شرکت‌های ترک موجب کاهش قابل توجه سود آنکارا از تجارت با این کشورها شد.

۱۸۵



تجزیه و تحلیل
قدرت نرم ترکیه
در دوره غلبه
اسلام‌گرایان

از طرفی عوامل داخلی هم تأثیر زیادی در کاهش رشد اقتصادی ترکیه داشته است؛ از تابستان ۲۰۱۳، امنیت و ثبات سیاسی ترکیه به شدت رو به افول بوده است. مخاطرات سیاسی سرمایه‌گذاری‌ها را در ترکیه تهدید می‌کند. این کشور از بابت خروج سرمایه‌ها از کشور و ناتوانی در بازپرداخت وام‌های خارجی آسیب زیادی دیده است و این در حالی است که در منطقه‌ای واقع شده که خروج سرمایه از آن به سمت کشورهای همسایه‌اش بخصوص اروپای شرقی رخدادی عادی است. همچنین نا به سامانی در روابط ترکیه و آمریکا در قضایایی مانند عدم تحویل گولن به آنکارا، تحریم این کشور توسط ایالات متحده و افزایش نرخ بهره در آمریکا موجب شده تا ترکیه با پدیده فرار سرمایه از کشورش روبه رو شود. در شرایط مشابه، کشورهای با توسعه پایدار از پس انداز داخلی خود که در حدود ۲۵-۲۰٪ (از GDP سالیانه) است استفاده می‌کنند اما نرخ پس انداز ترکیه به ندرت بیش از ۲۰٪ در قبل از سال ۲۰۱۰ بود و بعد از آن نیز به حدود ۱۰-۱۲٪ کاهش پیدا کرد (Karagol, 2013: 119).

این بحران‌ها موجب شده اقتصاد ترکیه براساس داده‌های جهانی شاخص رقابت از رتبه ۴۵ (Schwab, 2015) سال ۲۰۱۴ با کاهشی چشمگیر به رتبه ۵۵ در سال ۲۰۱۶ نزول پیدا کند (Schwab, 2016). این شاخص ضعف‌های اقتصاد ترکیه در مشکلات نهادی مانند نوآوری پایین و فساد را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در جهان امروز، قدرت نرم یک نیروی محرک مهم برای افزایش کارایی سیاست‌های کشورهاست. قدرت نرم به طور عمده به عواملی مانند فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، سیاست خارجی و دینامیک داخلی بستگی دارد. کشورهایی که پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی خود را بهبود ببخشند، فرهنگ جهانی را به اشتراک گذارند و ارزش‌های سیاسی دموکراتیک از خود نشان دهند موفق به تأثیرگذاری بر دیگران شده و از این رهگذر منافع بیشتری جذب می‌کنند.

یافته‌های این مقاله و تحلیل مؤلفه‌های نرم افزاری ترکیه نشان داد گفتمان قدرت نرم پس از مطرح شدن در سپهر سیاسی ترکیه دو دوره متفاوت را پشت سر گذاشت. دوره اول قدرت نرم این کشور روندی صعودی را طی کرد و در دوره دوم و از سال ۲۰۱۱ وارد روند نزولی شد. در این راستا کشور ترکیه با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه استراتژی خود را افزایش قدرت نرم به منظور ارائه تصویری جذاب از ترکیه قرار داد. نخبگان این حزب از جمله داوود اوغلو با راهبردهایی مانند مشکلات صفر با همسایگان و عمق استراتژیک سیاست‌های قدرتمندی را برای توسعه سیاسی و اقتصادی و بازسازی مؤسسات فرهنگی این کشور در جهت مقاصد دیپلماسی عمومی پیگیری کردند (داوود اوغلو، ۱۳۹۵: ۲۱۹). اهداف بلندپروازانه آنکارا از پیگیری گفتمان قدرت نرم با تکیه بر روابط تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی‌اش تبدیل شدن به یک قدرت مرکزی و حتی یک بازیگر جهانی بود. اثربخشی این سیاست‌ها برای حدود یک دهه و ارائه تصویری مطلوب از ترکیه تحسین بسیاری از کشورها را به دنبال داشت. با این حال از سال ۲۰۱۱، سیاست نرم‌افزاری ترکیه در خاورمیانه با مشکلات عدیده‌ای مواجه شد.

قدرت نرم ترکیه با قیام‌های مردمی کشورهای عربی موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱ و سرایت این بحران به همسایگان ترکیه بخصوص سوریه دچار چالش‌های جدی شد. تمایل حکومت AKP به دخالت سخت‌افزاری در سوریه، افزایش تهدیدات تروریستی داعش و احزاب مسلح کردی و شروع تظاهرات خیابانی در اعتراض به حوادث پارک گزی از سال ۲۰۱۳ بر قدرت نرم ترکیه تأثیری منفی داشت. در کنار این بحران‌ها کودتای نافرجام ژوئن ۲۰۱۶ و به دنبال آن اخراج و دستگیری گسترده حامیان کودتا، رشد

تمایلات اقتدارگرایانه دولت و کاهش رشد اقتصادی منجر به افول مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت ترکیه و تنزل جایگاه داخلی و منطقه‌ای دولت ترکیه شده است.

منابع

اقبال، اسماعیل. (۱۳۹۳). «تحلیل مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲)»، *دوفصلنامه قدرت نرم*، ۴(۱۱): صص ۲۹-۴۸.

داووداوغلو، احمد. (۱۳۹۵). *عمق راهبردی: موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی*، ترجمه: محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، چاپ دوم، تهران: نشر امیرکبیر. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۷). *نظریه‌های امنیت بین‌الملل*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

رینولد، ترزا. (۱۳۸۹). *قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا (در جنگ علیه عراق طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳)* ترجمه: مجید رسولی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

گریفیتس، مارتین. (۱۳۹۴). *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

عسگرخانی، ابومحمد و تقی عبدالسلام. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۲(۳۷): صص ۷-۴۰.

نای، جوزف. (۱۳۸۷). *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، مترجمان: سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

Akdoğan, Yalçın, (2004). *AK parti ve Muhafazakar Demokrasi*, İstanbul: Alfa Yayınları.

Akdeniz, Aycan, (2013). "EU-Turkey Relations, Towards a Constructive Re-Engagement?", TESEV Publications.

Ayhan, Kaya, (2013). "Yunus Emre Cultural Centres: The AKP's Neo-Ottomanism and Islamism", Perspectives, İstanbul: Heinrich Böll Stiftung Turkey Representation, July.

AKP Election Manifest, (2007). Available at: www.yayed.org.tr/resimler/ekler/718499c1c8cef67_ek.doc?tipi=&turu=&sube

- Aygül, C. (2014). Locating change in Turkish foreign policy. *Turkish Studies*, 15(3), 402–418.
- BBC News. (2015). *Syrian Kurds accuse Turkey of attacking their forces*. July 27. available at: www.bbc.com/news/world-europe-33675760.
- Brahim, Hadje, (2013). *Soft Power and Turkey's Foreign Policy Toward the Middle Eastern Countries (2002–2011)*, Kulliyah of Islamic Revealed Knowledge & Human Sciences, International Islamic University Malaysia.
- Çavuş, Tuba (2012). *DIŞ POLİTİKADA YUMUŞAK GÜÇ KAVRAMI VE TÜRKİYE'NİN YUMUŞAK GÜÇ KULLANIMI*, Kahramanmaraş Sütçü İmam Üniversitesi İktisadi ve İdari.
- Davutoglu, Ahmet, (2001). *Strategic Depth: Turkey's International Position*. Istanbul: Küre Publications.
- Demiryol, Tolga, (2014). “Poverty of Soft Power: Evidence from Turkish Foreign Policy in the Middle East”, *European Journal of Research on Education*, Special Issue: International Relations, pp 6-11.
- Develi, Hayati, (2015). “*Yunus Emre enstitüsü*”, Available at <http://www.edebiyathaber.net/yunus-emre-enstitusu-baskani-prof-dr-hayati-develi-hedefimiz-yurtdisinda-100-kultur-merkeziAydın>,
- Mustafa, (2017). “*Kafkasya ve Orta Asya'yla ilişkiler*”, in *Türk Dış Politikası: Kurtuluş Savaşından Bugüne Olgular, Belgeler, Yorumlar*. Baskın Oran (ed.), İstanbul: İletişim Yayınları.
- Freedom House, (2018). *Freedom in the World Index*, Available at <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2018/turkey>; “2018 World Press Freedom Index,” Reporters Without Borders, available at <https://rsf.org/en/ranking#>
- Gawwad, A. (2018). *Turkish Foreign Policy towards Syria since 2002*, *Asian Social Science*, 14(2), 57.
- Hatipoğlu, Osman Gökhan (2013). “*Türkiye Kızılay Derneği'nin Kamusalılığı: Bir Çözümlereme Denemesi*”, *Yönetim Bilimleri Dergisi*, Vol.11, No:22, Pages:167-189.
- Hersh, Seymour, (2016). *'Military to Military'*, London Review of Books, Vol. 38 No.1,7 January pp.11–14.
- Howeidy, Amira. (2010). “Dateline Istanbul”, *Al Ahram Weekly*, 994, 15 -21 April.
- KALIN, İ. (2010). *Türk Dış Politikası ve Kamu Diplomasisi*. İ. Kalın içinde, *Yükselen Değer Türkiye* (s. 49). İstanbul: MÜSİAD.

- Karagöl, Erdal Tanas (2013). “*AK Parti Dönemi Türkiye Ekonomisi*”, SETA (Siyaset, Ekonomi Ve Toplum Araştırmaları Vakfı), Pelin Ofset: Ankara.
- Karagol, E. T. (2013). The Turkish economy during the Justice and Development Party decade. *Insight Turkey*, 15(4), 115–129.
- Lukes, S. (2005). *Invasions of the Market*, (p. 7). London.
- Marcou, Jean, (2013). “*The Neo-Ottomanism, Key of Reading of Contemporary Turkey?*” The Keys of the Middle East, Available at: www.lesclesdumoyenorient.com/The--neo--ottomanism--lef--of-play.html.
- Modernleen H. Müslümanlar, (2005) *Nurcular, Nakiler, Milli Görü ve AK Parti*, istanbul:Kitap Yayınevi.
- Murinson, Alexander, (2006). “*The strategic depth doctrine of Turkish foreign policy*”, Middle Eastern Studies, 426.
- Nye, Joseph (1990). The changing nature of world power, *Political Science Quarterly*, 105(2), 177-192.
- Nye, Joseph (2004). *Soft power and Leadership*, Published by the Center for Public Leadership, Kennedy School of government, Harvard University, 4.
- Nye, Joseph S. (2011) Th Future of Power. New York: *Public Affairs*.
- Obama, Barack, (2012).“*Speech at Woodrow Wilson Center*” [online]. Washington, August 1, Available at: www.cfr.org/publication/13974.
- Oğuzlu, Tarık, (2013). “The Gezi Park Protests and Its Impact on Turkey’s Soft Power Abroad”, *Ortadoğu Analiz*, Vol. 5, No. 55, July, pp.10-15.
- Öniş,Ziya, (2012). “Turkey and the Arab Spring: Between Ethics and Self-Interest” *Insight Turkey* 14, no 45-63.
- Öniş, Ziya, (2014). “Turkey and the Arab Revolutions: Boundaries of Regional Power Influence in a Turbulent Middle East”, Mediterranean Politics.Taşpınar, Ömer, (2012).“Turkey: *The new model?*”, *The Brookings Institute*.
- Phillips, C. (2012). Into the quagmire: *Turkey’s frustrated Syria policy*. London: Chatham House Middle East and North Africa Programme.
- Purtaş, Fırat (2013). “*Türk Dış Politikasının Yükselen Değeri: Kültürel Diplomasi*”, *Akademik Bakış*, Vol.7,No:13, Pages:1-13.
- Salamandra, Christina, (3013). The Muhannad Effect: Media Panic,Melodrama, and the Arab FemaleGaze’, *Antropological Quarterly*, Vol 85, No 1, pp. 45-77.
- Sarper, Bülent, Arman N. (2016) “*Turkish Foreign Policy towards the Western Balkans in the Post-Cold War Era: Political and Security*

- Dimensions*”, in Turkey’s Foreign Policy and Security Perspectives in the 21st Century. Sertif Demir (ed.), Roca Raton: BrownWalker Press, ss. 143-166.
- Schwab, K. (2015). *The Global Competitiveness Report 2014-2015*. Geneva: World Economic Forum.
- Schwab, K. (2016). *The Global Competitiveness Report 2016-2017*. Geneva: World Economic Forum.
- T.C. Dışişleri Bakanlığı (2015). official website, Foreign Minister Davutoğlu, *EU membership has been our strategic goal for almost 50 years and will continue to be*. Available at <http://www.mfa.gov.tr/foreign-minister-davutoglu-eu-membership-has-been-our-strategic-goal-foralmost-50-years-and-will-continue-to-be.en.mfa>.
- TESEV, (2013). *TESEV Foreign Policy Programme*, İstanbul: TESEV. Available at: <http://www.tesev.org.tr/assets/publications/file/14012014171159.pdf>
- The Independent Commission on Turkey, (2014). 3rd Report, “*Turkey in Europe: The Imperative for Change*”, March.
- Tugal, C. (2016). *The fall of the Turkish model: How the Arab uprisings brought down Islamic liberalism*. London and New York: Verso.
- UZGEL, İlhan (2009). *Yayın The New Actor of the AKP Neoliberal Transformation, The Book of the AKP, The Balance Sheet of a Transformation*, (Der.) İlhan Uzgel and Bülent Duru, Ankara Phoenix Publications.
- Warlick, Jordan (2016). “*The Public Diplomacy of Emerging Powers*, Part “: The Case of, *Turkey*” *CPD Perspectives On Public Diplomacy*, Paper 1, Figueroa Press: Los Angeles.
- Welch, B. (2013). Just another BRIC in the wall? A comparison of recent Brazilian and Turkish economic developments. *Insight Turkey*, 15(3), 59–76.
- Yanardağooğlu, Eylem and Karam, Imad (2013). The Fever that Hit the Arab Satellite Television: Audience Perceptions of the Turkish TV Series’, *Identities: Global Studies in Culture and Power*, Vol. 20, Issue 5, 2013, pp. 561-579.
- YILMAZ, A. (2017). " Balkanlar’da YTB ve TİKA’nın Türk kamu diplomasisi kurumları olarak faaliyetleri ve Türkiye’nin bölgedeki yumuşak gücüne etkileri, *Finans Ekonomi ve Sosyal Araştırmalar Dergisi*, 115-131.